

من و ساعت

نویسنده:

مهرداد مینوی



۱۳۹۰

سرشناسه: منزوی، مهدی، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور: من و ساعت/ نویسنده مهدی منزوی.
مشخصات نشر: تهران: یاران شاهد، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۸۰ص: مصور(رنگی).
شابک: ۳-۴-۹۱۶۵۶-۹۷۸-۶۰۰-۲۰۰۰ ریال
یادداشت: این اثر با حمایت سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان فارس چاپ و منتشر شده است.
موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- داستان
شناسه افزوده: سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان فارس
رده بندی کنگره: ۸۲۲۳ PIR ۸۴۷ م ۱۳۹۰
رده بندی دیویی: ۲۶۳۸
شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۷۸۹۴۶



من و ساعت

مؤلف: مهدی منزوی

ویراستار: مهید اکبرپور

آماده سازی: موسسه کتاب آریان فارس

ناشر: یاران شاهد

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: کوثر

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۰

قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

شابک: ۳-۴-۹۱۶۵۶-۹۷۸-۶۰۰-۹۷۸-۹۷۸-۹۱۶۵۶-۹۷۸-۶۰۰-۲۰۰۰
ISBN: 978-600-91656-4-3

آدرس: خیابان آیتا... طالبانی - خیابان ملک الشعراء بهار - شماره ۵

انتشارات یاران شاهد

تلفن: ۸۸۸۲۳۵۸۵ - ۸۸۳۰۵۲۱۰

واحد توزیع: ۸۸۸۲۳۵۲۳ مراکز پخش: تهران، ۰۲۱-۶۶۴۹۱۸۵۱ ق.م: ۰۲۵۱-۷۸۳۰۳۴۰

این اثر با حمایت سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان فارس چاپ و منتشر شده است*

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱۱	مقدمه
۱۳	زنگ اول: ساعت، من، مدرسه
۱۵	خواب صبحگاهی
۱۷	مشارطه
۱۸	طلیعه دوستی
۱۹	کشمکش
۲۱	اجتماع
۲۳	دبیرستان
۲۵	زنگ دوم: جبهه، ساعت و من
۲۷	پسجی
۲۸	دفاع مقدس
۳۰	ردای فاخر
۳۲	بیدار باش
۳۲	کلاس بزرگ
۳۳	راننده‌ی اسکورت
۳۴	راننده‌ی لودر

۳۵.....	رزمنده.....
۳۷.....	هم‌زمان.....
۳۸.....	شلمچه.....
۳۹.....	دیدار.....
۴۰.....	نصب عملیات.....
۴۱.....	خواب خوش.....
۴۳.....	مفقود شده.....
۴۴.....	شیمیایی.....
۴۵.....	سنگر سار بی پناه.....
۴۶.....	سینه خیز.....
۴۷.....	ربوده شده.....
۴۹.....	حکم وظیفه.....
۵۰.....	محشر.....
۵۱.....	توقف.....
۵۱.....	نسیم خنک.....
۵۳.....	سکوت.....
۵۴.....	قاصد.....
۵۷.....	زنگ سوم: من، زندگی و ساعت.....
۵۹.....	یادآوری.....
۶۰.....	طراوت.....
۶۱.....	پیرمرد.....
۶۲.....	دقیقه‌ی ارزشمند.....
۶۲.....	صف.....
۶۳.....	نجات.....
۶۴.....	ساعت باطری دار.....
۶۵.....	پیچ و خم.....
۶۶.....	تیک... تاک.....
۶۷.....	بشیر.....
۶۷.....	اسیر آزادی بخش.....
۶۸.....	آن طرف خط مقدم.....

- ۷۰.....! خروس با محل
- ۷۲..... رها شده در خاک و خون
- ۷۵..... خروس بی محل
- ۷۶..... نشان شجاعت
- ۷۷..... دل‌سنگی
- ۷۸..... باران

مقدمه

به یاد دارم وقتی که برای اولین بار به عنوان راننده‌ی لودر، افتخار حضور در عملیات والفجر یک را پیدا کردم، کمکی یکی از راننده‌های باتجربه‌ی لودر بودم. اما چون او خیلی خسته بود، من پشت فرمان نشسته بودم تا به محل اصلی عملیات برسیم.

در جلوی لودر ما، یک لودر و یک بولدوزر دیگر حرکت می‌کرد و بقیه‌ی دستگاه‌ها هم به دنبال لودر ما، در حرکت بودند.

در نیمه‌های شب وقتی که قرار شد یک لودر پیشاپیش نیروهای رزمنده به راه بیفتد و کانال‌های عمیقی را که بعضی‌ها در مسیر جاده‌ی ترددی حفر کرده بودند پر کند تا راه باز شود، شهید دشتی فرمانده‌ی محور) در همان تاریکی شب متوجه شد که اولین لودر ترکش خورده است. به سراغ دومین لودر آمد و از پایین فریاد زد: «راننده‌ی لودر دنبال ما بیا!».

من هم که سوار بر دومین لودر بودم، بی‌درنگ به دنبال تویوتای فرماندهی، لودرم راهی کردم و ماشین‌های حامل رزمندگان هم به دنبال من به راه افتادند.

خوب به یاد دارم در آن حال که یکی، یکی کانال‌های سر راه را پر می‌کردم و گلوله‌های آرپی جی ۱۱ و گلوله‌های ضدهوایی دوشیکا، خروشان به سمت لودرم به پرواز در می‌آمدند، زبان حال من که خودم را بسیار کوچک‌تر از آن می‌دانستم که در چنان موقعیتی قرار بگیرم، این بود: «مژدم بده، مژدم بده، یار پسندید مرا...»

امروز هم جای بسی مژده و تبریک دارد که از میان آن همه رزمنده‌ی باقی مانده از کاروان جهادگران، باز قرعه‌ی فال به نام این کمین افتاد تا در حد بضاعت مزجت خویش وظیفه‌ی خطیر پاسداشت «وادی ققنوس‌های جهادگر» را به عهده بگیرم.

این نوشته، سعی در انتقال دغدغه‌ها و مسئولیت‌های جوان دوران انقلاب و دفاع مقدس به نسل حاضر، در مبارزه با دشمن درون و برون، دارد که در قالب چند روایت مرتبط و خاطرات نزدیک به هستند، به صورت تلویحی و در هاله‌ای از ملاحضات و جذابیت‌های روایی و داستانی (ضمن پرهیز از اطاله گویی‌های خسته کننده) به بیان مستند بخش کوچکی از اتفاقات و حوادث آن روزهای جامعه، در سه مقطع زمانی متوالی، به صورتی فشرده و مختصر، پرداخته است.

همچنین سعی در آرایه‌ی بخشی از فعالیت‌های نهادهای انقلابی و به طور خاص نقش جهاد سازندگی در دوران دفاع مقدس و معرفی روحیات و جلوه‌های نیروهای بی‌تکلف و بی‌پروای این نهاد، با نام جاودانه «سنگسازان بی‌سنگر»، همراه با جذابیت‌های تلخ و شیرین متداول در زندگی رزمندگان و جانبازان، متأثر از حوادث جنگ و انقلاب، داشته است. امید که پذیرفته‌ی درگاه یار واقع شود.